

جنگ با تروریسم یا نبرد با عدالت

دکتر نسرین مهرا*

نوروز کارگری**

چکیده

جنگ با تروریسم پدیده‌ی جدیدی است که پس از حوادث یازده سپتامبر توسط دولت آمریکا مطرح شد. این ایده پاسخ مستقیمی است به حوادثی که در این روز رخ داد و از یک سو پیامدهای گسترده‌ای را در قالب حمله‌ی نظامی به عراق و افغانستان در پی داشت، و از سوی دیگر برخوردهای تبعیض‌آمیز را به صورت قانونی به مظنونان و متهمان اقدامات تروریستی تحمیل نمود. این تبعیض‌ها و سایر اعمال غیرانسانی به حدی است که بسیاری از اصول حقوق کیفری و حتی انسانی را مورد خدشه قرار داده است. این نتایج ناگوار، جنگ با تروریسم را به نبرد با عدالت یا «دروغی بزرگ» تبدیل کرده که شاید هیچ‌گاه نتوان به آن امید بست.

کلید واژگان

تروریسم، نبرد با تروریسم، شکنجه، بازداشت خودسرانه.

* استادیار دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانش‌آموخته‌ی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

مقدمه

جنگ با تروریسم تلقی‌ای است جدید از مبارزه با تروریسم که جهانی را به خود مشغول ساخته است. این تلقی متعاقب ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مطرح گردید که در آن نماد اقتصاد ابرقدرت قرن بیستم به تلی از خاکستر تبدیل شد. آیا پیامد این رخ داد که به‌عنوان جنگ با تروریسم جلوه کرد پیامدی واقعی یا نتیجه‌ای منطقی از این حادثه بود؟ در زیر به تشریح این مسئله خواهیم پرداخت و برای شروع به شکل‌گیری این تلقی می‌پردازیم.

در ۱۶ فوریه‌ی ۱۹۹۳ مرکز تجارت جهانی هدف یک حمله‌ی تروریستی قرار گرفت. در این حمله شش نفر جان باختند، صدها نفر مجروح شدند و چندین میلیون دلار خسارت به بار آمد. عامل این حمله فردی بود به نام رمزی یوسف. این اقدام تروریستی با انفجار یک کامیون بمب‌گذاری شده در پارکینگ طبقه‌ی همکف انجام گرفت و به‌گونه‌ای طراحی شده بود که با تخریب یک برج و افتادن آن بر روی دیگری، هر دو برج فرو ریزند. در نتیجه‌ی این اقدام هفت نفر تحت تعقیب قرار گرفتند که شش نفر محکوم شده و به زندان فرستاده شدند و نفر هفتم از چنگال عدالت گریخت. عامل این حمله -رمزی یوسف- پس از دستگیری با افتخار بیان داشت که در صورتی که از امکانات بیش‌تری برخوردار بود می‌توانست ده‌ها هزار نفر را به کام مرگ بکشانند.^۱

هشت سال بعد، این برج‌ها دیگر بار مورد حمله قرار گرفتند؛ با این تفاوت که این بار فروریختند و مرگ چند هزار نفر را موجب شدند. گستردگی حملات به اندازه‌ای بود که

1. Kirik, M., The Man who Knew, available at:

<http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/shows/knew/etc/script.html>, September 5 2004.

وزارت کشور آمریکا این حملات را به‌عنوان بدترین حملات تروریستی تاریخ خواند.^۲ حمله‌ی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ توسط افرادی با انگیزه‌های مشابه سال ۱۹۹۳ طراحی و اجرا گردید و جالب‌تر از آن این که یکی از طراحان این حمله -خالد شیخ محمد- عمومی رمزی یوسف عامل حمله‌ی سال ۱۹۹۳ بود. با وجود این همه شباهت بین این دو اقدام تروریستی، پاسخ به هر یک از آن‌ها کاملاً متفاوت بود. پاسخ ایالات متحده به حمله‌ی سال ۱۹۹۳ عبارت بود از اقدامات پلیسی و تعقیب قانونی مرتکبان آن ولی پاسخ به حمله‌ی دوم عبارت بود از یک جنگ گسترده: جنگ با تروریسم. در روز پس از حمله، رئیس‌جمهور آمریکا در یک سخنرانی بیان داشت: در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دشمنان آزادی علیه کشور ما مرتکب اقدام جنگی شدند... جنگ ما علیه ترور با القاعده آغاز می‌شود اما به آن ختم نمی‌شود. این جنگ ادامه خواهد یافت تا زمانی که تمامی گروه‌های تروریستی جهانی یافت شوند، متوقف گردند و از بین بروند.^۳ پرزیدنت بوش نه روز پس از این حملات، خطاب به کنگره این حوادث را با حمله‌ی ژاپنی‌ها به پرل هاربر مقایسه کرد که ایالات متحده را وارد جنگ جهانی دوم نمود. این حاکی از آن بود که دیگر به‌روشنی نمی‌توان ماهیت پاسخی که ایالات متحده برای تهدید تروریسم در نظر دارد را متوجه شد.^۴

2. Jack N. Kondrasuk, "The Effects of 9/11 and Terrorism on Human Rights Resource Management: Recovery, Reconciliation and Renewal", Employee Responsibilities and Rights Journal, Vol. 16, No. 1, March 2004, p. 28.

3. Bush. G. W., available at:

<http://www.whitehouse.gov/news/releases/2005/02/20050223-8.htm>.

۴. آدام، الکساندر، مبارزه با تروریسم؛ مطالعه تطبیقی اتحادیه اروپا-ایالات متحده آمریکا، ترجمه‌ی ابوالحسن شکری، نشر سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص. ۶.

آمریکا با اعلام شرایط جنگی در کشور اصرار بر تعقیب و مجازات عاملان این حوادث داشته و تلاش‌هایی را در سطوح بین‌المللی و داخلی برای محکومیت و مجازات مسببین این حوادث به عمل آورد. تلاش‌های آمریکا در این زمینه منجر به صدور قطع‌نامه‌های شماره‌ی ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ در شورای امنیت سازمان ملل گردید. با تلقی حوادث یازده سپتامبر به عنوان حمله‌ی نظامی، دولت آمریکا با وجود عدم حمایت همه‌جانبه‌ی بین‌المللی اقدام به حمله‌ی یک‌جانبه به افغانستان نمود.^۵

این اعلان و حمله‌ی متعاقب آن، سرآغاز جنگی بود که در آغاز هزاره‌ی سوم میلادی جهان را به کام خود فرو برد^۶ و ساختار جدیدی را در روابط بین‌الملل تعریف کرد. مرزهای این جنگ ناشناخته و بی‌پایان است؛ زیرا نه تروریسم به‌طور دقیق تعریف و تفسیر شده است و نه تروریست‌ها اشخاص معین و با ملیتی مشخص هستند.^۷ این جنگ نه تنها مظنونان حادثه بلکه هر کشوری که مظنونان در آن قرار داشتند و دیگر کشورهای متهم به تروریسم را هدف قرار می‌داد. بوش وعده‌ی نجات جهان از اشرار و مقابله با شرارت را داد که یادآور محکومیت بلای شرارت‌آلود تروریسم توسط ریگان در سال ۱۹۸۵ است که در زمان روی کار آمدن دولت او به‌عنوان موضع اصلی سیاست خارجی آمریکا مطرح شده

۵. رک. کدخدایی، عباسعلی، «حوادث ۱۱ سپتامبر و رویکرد نوین آمریکا به نظریه جنگ عادلانه»، مجله‌ی نامه مفید، شماره‌ی ۳۳.

۶. استفاده از واژه‌ی «جنگ» برای مشخص کردن مبارزه با جرم، قاچاق یا امروزه تروریسم، هم‌واره استعاری بوده است. با این حال در مورد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، استفاده از این واژه به سه علت از استعاری بودن فراتر رفته است؛ از نظر خرابی‌های موجب شده، از نظر روانی با پیوند دادن احساسات آسیب‌پذیری و بی‌گناهی و سرانجام به علت این که به‌واقع جنگ به وقوع پیوست (آدام، پیشین، ص. ۷).

۷. محمدی، منوچهر، استراتژی نظامی آمریکا بعد از یازده سپتامبر؛ آمریکا رویاروی جهان اسلام، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص. ۱۵.

بود.^۸

از سوی دیگر شروع این جنگ و اجرای عدالت به‌نحوی که آغازگران جنگ مدعی بودند، نیازمند بازنگری در مفاهیم و ساختارهای حقوق جزا بود. در همین راستا و در ادامه‌ی تلاش‌های آمریکا برای به راه انداختن جنبش جهانی مبارزه با تروریسم، رییس جمهور آمریکا بیان داشت: خواه این که ما دشمنان را به پیشگاه عدالت ببریم یا این که عدالت را نزد دشمنان، عدالت اجرا خواهد شد... ما جمع خواهیم شد تا این که به اجراکنندگان قانون ابزارهایی را که برای تعقیب و دستگیری تروریست‌ها در منزل نیاز است، اعطا کنیم.^۹ این امر باعث اعطای اختیاراتی به مجریان در راستای جنگ با تروریسم شد که جنگ با تروریسم را به جنگ با عدالت مشتبه ساخت؛ اختیاراتی که در راستای اجرای عدالت، عدالت را نادیده گرفتند و به بهانه‌ی جنگ با تروریسم اصول حقوق کیفری را که بایستی مبتنی بر عدالت و انصاف باشد دگرگون ساختند. جنگی که میان دوست و دشمن را از بین برد و جهانی را به سردرگمی گرفتار کرد.

در ادامه سعی خواهد شد تا پیامدهای تلقی جنگ با تروریسم هرچند کوتاه بررسی شود. هم‌چنین با توجه به پیش‌زمینه‌هایی که این تلقی را شکل داده‌اند، به این پرسش اساسی پاسخ داده می‌شود که آیا اساساً جنگ با تروریسم یک واقعیت است؟

۸. چامسکی، نوام، «تروریست‌های جهانی چه کسانی هستند؟»، ترجمه‌ی مجتبی طاهری (گزارش پژوهشی)، نشر پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، مهرماه ۱۳۸۳، ص. ۵.

9. Bush, G. W., Whitehouse Press Office 2003, available at:

[http:// www.whitehouse.gov/news/release/2003/05/20030516-15.html](http://www.whitehouse.gov/news/release/2003/05/20030516-15.html).

۱- محاکمه؛ سیستم عدالت کیفری یا مبارزه؛ به راه انداختن جنگ

حق بر دادرسی منصفانه اقتضای آن را دارد که پس از ارتکاب یک عمل خلاف قانون کیفری، توسط متهم تفهیم اتهام شده و با دارا بودن تمامی حقوق مربوط به دادرسی منصفانه مورد تعقیب قرار گیرد و در یک دادگاه بی‌طرف محاکمه شود. این فرآیند آن چیزی است که حقوق کیفری مدرن در اجتماع با حقوق بشر، برای اجرای عدالت لازم می‌داند و مدعی است که اجرای عدالت را تنها در این فرآیند می‌توان دید، چرا که تنها در این سازوکار می‌توان تا حدی به آشتی میان امنیت و آزادی دل بست.

فرآیند یادشده که آن را حق دادرسی منصفانه می‌نامند مواردی را دربر می‌گیرد که فرد مرتکب عمل مجرمانه‌ای گردیده و در پاسخ به آن از مجرای دادرسی منصفانه برای اجرای عدالت گام برداشته می‌شود.

در مذموم بودن تروریسم کم‌تر تردیدی وجود دارد و تقریباً در این زمینه اجماع همگانی وجود دارد. به علاوه تروریسم در بسیاری از کشورها جرم شناخته شده و ضمانت اجرای کیفری را در پی خواهد داشت. جرم دانستن تروریسم از مجرای قانون کیفری ملزوماتی دارد و آن لزوم رعایت محاکمه‌ی منصفانه است که ترتیبات خاصی را بر ایراد اتهام و رسیدگی متهم بار می‌کند. بدین ترتیب زمانی که حقوق کیفری جرمی را تحت عنوان تروریسم یا اقدام تروریستی شناسایی می‌کند بدون تردید اصول مربوط به دادرسی منصفانه بر ایراد اتهام، رسیدگی و اجرای مجازات متهمان بار خواهد شد.

در پاسخ جدید به تروریسم که در قالب جنگ و نه محاکمه‌ی قانونی نمود یافته است، آیا می‌توان حق بر محاکمه‌ی منصفانه را در پس جنگ با تروریسم تامین کرد؟ آیا در جنگ با تروریسم می‌توان اصول محاکمه‌ی منصفانه را به‌درستی رعایت کرد و یا این که در پس تلقی جنگ با تروریسم این اصول قربانی شده و نادیده گرفته می‌شوند؟

بر این اساس سعی می‌کنیم تعریفی از تروریسم به دست دهیم و در ادامه به بررسی

جنگ به‌عنوان پاسخی جهانی به تروریسم خواهیم پرداخت.

۱-۱- مفهوم تروریسم

در راستای فهم محاکمه‌ی منصفانه‌ی تروریست نخستین پرسش این است که تروریسم چیست؟ تروریسم را در لغت از ریشه‌ی ترور می‌دانند. گرچه تروریسم به‌عنوان یک شیوه‌ی اقدام همیشه و در طول تاریخ هم‌راه بشر بوده است، تاریخچه‌ی استعمال آن را به دوران انقلاب فرانسه و حاکمیت ماکسیمیلیان روبسپیر بازمی‌گردانند. از نظر لغوی ترور را استفاده از خشونت برای ایجاد ترس یا وحشت به‌ویژه به‌عنوان وسیله‌ای برای تاثیرگذاران بر اعمال سیاسی می‌دانند.^{۱۰} در دانشنامه‌ی سیاسی، ترور به این صورت تعریف شده است: ترور در لغت به معنای وحشت و به وحشت افکندن است و در سیاست به عمل حکومت یا گروه‌هایی اطلاق می‌گردد که برای حفظ قدرت یا مبارزه با دولت با اعمال خاصی ایجاد وحشت می‌کند.^{۱۱} ترور مآخوذ از فرانسه و به معنی قتل سیاسی به‌وسیله‌ی اسلحه در فارسی متداول است؛ ترور کردن، قتل سیاسی با اسلحه و تروریست طرف‌دار خشونت عمل و ایجاد رعب و ترس است.^{۱۲}

برخی از نویسندگان به‌طور کلی تروریسم را خشونت شدید می‌دانند که به صورت تهدید ناشناخته و پیش‌بینی نشده اعمال می‌گردد. به عبارت دیگر تروریسم عبارت است از

۱۰. آ، گانز، برایان، فرهنگ حقوقی بلک، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص. ۵۱۳-۵۱۲.

۱۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات سهروردی، ۱۳۶۴، صص. ۹۹-۹۸.

۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر معین، تهران، انتشارات چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص. ۶۳۶.

خشونت‌های ناشی از فعالیت‌های بشری^{۱۳} که به‌طور کلی جانمایی تعریف آن ایجاد وحشت در مردم برای تحت فشار قرار دادن حکومت می‌باشد.^{۱۴}

به هر رو از تروریسم تعاریف مختلفی ارائه شده، به‌گونه‌ای که یک تحقیق در سال ۱۹۹۸ حدود یکصدونه تعریف از آن را گردآورده است.^{۱۵} آنچه در بادی امر از این تنوع و تعدد نظرات در ارائه‌ی تعریف از تروریسم به ذهن می‌آید این است که اجماعی در مورد چیستی تروریسم وجود ندارد و حتی برخی آن را واژه‌ای بدون اهمیت حقوقی می‌دانند که صرفاً روش مناسبی است برای اشاره به فعالیت‌های دولتی یا فردی که در سطح گسترده مردود شمرده شده است؛ فعالیت‌هایی که یا روش به کار رفته در آن غیرقانونی است یا آماج‌های حمایت شده یا هر دو.^{۱۶} بدین معنا که تروریسم پیکره‌ای بی‌محتواست و از منظر حقوق کیفری بیش‌تر شیوه‌ی خاص ارتکاب جرایم با انگیزه و مقاصد خاص است تا یک عنوان مجرمانه‌ی مجزا با ارکان و عناصر معین و از این منظر اصطلاح «اقدامات تروریستی» که ناظر به شیوه و شکل است از اصطلاح «تروریسم» که ناظر به ماهیت می‌باشد

۱۳. جلالی، محمود، «تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تأکید بر حادثه ۱۱ سپتامبر»، نامه مفید، سال یازدهم، شماره‌ی ۵۲، اسفندماه ۱۳۸۴، صص. ۵۱-۵۲.

۱۴. عبدالهی، علی؛ کیهانلو، فاطمه، سرکوب تروریسم، معاونت پژوهش و تدوین قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص. ۶.

۱۵. اردبیلی، محمد علی، «مفهوم تروریسم، تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل» (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش)، تهران، روزنامه رسمی، چاپ اول تابستان ۱۳۸۱، ص. ۱۱۹.

۱۶. هیگنیز، روزالین، «حقوق بین‌الملل علیه تروریسم»، ترجمه‌ی زهرا کسمتی، در: تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، گردآوری و ویرایش علیرضا طبیب، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص. ۳۲۳.

بهرتر است.^{۱۷}

برای شناخت تروریسم هدف یا انگیزه آشکارا یک عنصر کلیدی است. این هدف عبارت است از استفاده از ترس یا نگرانی شدید برای وادار ساختن آماج اصلی خود به انجام رفتارهای خاص. اما در تعریف تروریسم هدف با روش در هم می‌آمیزد و برداشت ما را از تروریسم شکل می‌دهد.^{۱۸}

آن‌چه در تعریف تروریسم غیرقابل تردید است این امر است که در مورد آن تعریفی اجماعی وجود ندارد. برخی در دیدگاهی بدبینانه نبود تعریف اجماعی از تروریسم را ناشی از عدم تمایل غرب دانسته‌اند. بر این اساس دولت‌مردان آمریکایی در غرب به‌درستی از تروریسم تعریف نکرده‌اند و تنها به اشاره‌ای از آن بسنده نموده‌اند چرا که چنان‌چه واژه‌ی مزبور به مفهوم اصلی آن تفسیر گردد بی‌تردید آمریکا و کشورهای غربی وابسته به آن، اگر تنها گروه‌های تروریستی جهان نباشند در شمار اولین کسانی قرار خواهند داشت که برای رسیدن به اهداف سیاسی متوسل به ترور می‌شوند.^{۱۹} به علاوه که تعریف کشورهای غربی از تروریسم تنها به گونه‌ای است که اعمال خود را از هرگونه فعالیت تروریستی مبرا بدانند و گروه‌ها و کشورهایی که با آن‌ها در حال جنگ هستند را تروریست بنامند.^{۲۰} حتی شاید تعریف تروریسم باید بدین صورت مورد بازنگری قرار گیرد: تروریسم اصطلاحی

۱۷. عالی پور، حسن، «تروریسم هسته‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره‌ی سوم، پاییز ۱۳۸۵، ص. ۵۸۵.

۱۸. خانبانی، پریسا، «ضوابط حقوق بشری مبارزه با تروریسم بین‌المللی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، پاییز ۱۳۸۳، ص. ۱۳.

۱۹. نقدی، همان، ص. ۲۰.

۲۰. همان.

است که تنها شامل فعالیت‌های تروریستی است که علیه ما انجام می‌شود و فعالیت‌هایی که ما علیه آن‌ها انجام می‌دهیم را دربر نمی‌گیرد.^{۲۱}

اما با وجود این نباید غافل بود که فقدان یک تعریف که از لحاظ حقوق بین‌الملل مورد قبول باشد به این معنا نیست که تروریسم یک شکل غیرقابل توصیف از خشونت است یا این که دولت‌ها در پاسخ به این پدیده بر اساس حقوق بین‌الملل محدودیتی ندارند. برعکس می‌توان خصوصیات و ویژگی‌های چندی را برشمرد که متناوباً با وقایع تروریستی هم‌راه هستند و شاخص‌هایی را به‌دست می‌دهند که از آن‌ها می‌توان تعهدات حقوقی بین‌المللی دولت‌ها در مبارزه با تروریسم را شناخت و ارزیابی کرد.^{۲۲}

ارایه نشدن تعریفی واحد از تروریسم موجب گردیده تا هر کس بر اساس نسخه‌ی خود تروریسم را تعریف نموده و به مبارزه با آن بپردازد. دشواری این امر زمانی نمودار می‌شود که این مفهوم ناشناخته جنگی گسترده را در سطح جهان در پی داشته است. بر این اساس مفهوم ناشناخته‌ی تروریسم هم‌راه با مرتکب ناشناس آن یعنی تروریست هدف جنگی گسترده تحت عنوان جنگ با تروریسم قرار می‌گیرند.

بدون تردید زمانی که برای محاکمه و مجازات یک مجرم تروریست نیاز به ارایه‌ی تعریفی صریح و واضح از تروریسم احساس می‌شود، شروع جنگی گسترده به‌عنوان پاسخ به چنین پدیده‌ای مسلماً نیاز بیش‌تری را در این زمینه مطرح می‌سازد. آغاز جنگی بی‌پایان در این زمینه نتیجه‌ای به جز قربانی کردن حق محاکمه‌ی منصفانه نخواهد داشت.

۲۱. چامسکی، پیشین، ص. ۱۰.

۲۲. خانابانی، پیشین، ص. ۱۰.

۲-۱- محاکمه‌ی تروریست‌های بزه‌کار راهی به سوی اجرای عدالت

به‌طور کلی محاکمه‌ی بزه‌کاران راهی است به سوی اجرای عدالت؛ راهی که در حادثه‌ی تروریستی ۱۹۹۳ در آمریکا از این راه پیگیری شد. در جریان تعقیب و محاکمه‌ی متهمان این حادثه‌ی تروریستی چهار نفر از متهمان هر یک به دویست و چهل سال حبس و دویست و پنجاه هزار دلار جزای نقدی محکوم شدند. سردهسته‌ی گروه به حبس ابد بدون حق آزادی مشروط محکوم شد و یک روحانی مسلمان نابینا به‌عنوان حامی معنوی مرتکبان حبس ابد دریافت کرد. چنین تعقیب و رسیدگی‌ها چیزی است که در تمامی جرایم قابل پیش‌بینی است.

اما از سوی دیگر پاسخ حامیان حادثه‌ی تروریستی مورد بحث شدید بود. /سامه بن لادن در ۲۶ می ۱۹۹۸ به دولت ایالات متحده‌ی آمریکا اعلام جنگ کرد و برای شروع یازده هفته بعد سفارتخانه‌های آمریکا در کنیا و تانزانیا را هدف حمله قرار داد و در این میان موجب کشته شدن بیش از دویست نفر گردید. این جریان ادامه یافت تا این‌که پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دولت آمریکا نیز علیه تروریسم اعلام جنگ نمود.^{۲۳}

با قبول تروریسم به‌عنوان یک عمل ناقض حقوق کیفری، اعلام جنگ علیه آن بر خلاف حق دادرسی منصفانه است چرا که ضوابط حاکم بر جنگ بدون تردید حق متهمان را برای برخورداری از محاکمه‌ی عادلانه و منصفانه نقض خواهد کرد. مقوله‌ی حقوق بشر حاکم بر محاکمات و به‌طور کلی سیستم عدالت کیفری با وقوع جنگ عقب‌نشینی می‌کند و این یعنی محروم کردن متهمان از حق ابتدایی محاکمه‌ی منصفانه.

23. McCauley, Clark, "War Versus Justice in Response to Terrorist Attacks, in: Psychology of Terrorism, Bongor, Bruce *et al.* (eds.), Oxford University Press, 2007, p. 58.

تردید دیگر در این زمینه آن است که آیا مبارزه با تروریسم اساساً می‌تواند شکل جنگ به خود بگیرد؟ چگونه می‌توان ضمانت اجرای کیفری یک عمل مجرمانه را در مخاصمه‌ی مسلحانه جست؟

به علاوه چنان‌که در گزارش کارگروه حمایت از حقوق بشر در مقابله با تروریسم، که از سوی صلیب سرخ جهانی در مارس ۲۰۰۴ در شهر کپنهاگ تشکیل گردید، آمده است اگر پیش‌گیری از تروریسم به استفاده از زور بیانجامد این وضعیت هنگامی می‌تواند یک مخاصمه‌ی مسلحانه محسوب شود که واجد شرایط زیر باشد: ۱- حجم یا طول درگیری به اندازه‌ای باشد که بتوان آن را فراتر از یک ناآرامی یا تنش موقت دانست؛ ۲- امکان مشخص کردن دو طرف درگیری وجود داشته باشد؛ ۳- قلمرو جغرافیایی مخاصمه را بتوان معین نمود؛ و ۴- آغاز مخاصمه مشخص باشد و بتوان پایانی نیز بر آن متصور بود.^{۲۴} حال آن‌که در مورد بررسی ما، طرف جنگ دشمنان هستند و مدت جنگ تا زمانی است که تمامی تروریست‌ها یافت گردیده و از بین برده شوند.

تلقی جنگ در این راستا ناشی از تفسیر جدید از نظریه‌ی جنگ عادلانه است که با وجود متروک ماندن آن در حقوق بین‌الملل برای مدت‌های طولانی، به ناگاه با برداشتی جدید نمود پیدا کرد. بر این اقدام انتقادات زیادی وارد شده و عده‌ای این‌گونه تجدیدنظر در نظریه‌ی متروک و منسوخ جنگ عادلانه را عاملی می‌دانند که جهان را به سوی مهلکه‌ای هولناک سوق می‌دهد که آینده‌ای روشن را بر آن نمی‌توان متصور شد؛ چرا که هیچ منطقی نمی‌تواند توجیه‌گر اقدامات ناقض مقررات بین‌المللی به بهانه‌ی حفظ و حمایت

۲۴. صوری پور، مهدی، «نقض حقوق بشر به بهانه مبارزه با تروریسم بین‌المللی»، در: مهدی ذاکری (زیر نظر)، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات، تیر ماه ۱۳۸۶، صص. ۱۸۳-۱۸۲.

از همین مقررات باشد.^{۲۵}

این جنگ با تروریسم است که به‌عنوان جای‌گزین سیستم عدالت کیفری، متهمان تروریسم را به مبارزانی غیرقانونی تبدیل کرده و اساس دیدگاه «ما و دیگران» را شکل داده است.

۳-۱- مجرم یا مبارز غیرقانونی

تلقی پاسخ به تروریسم به‌عنوان جنگ، ما را در برابر مبارزان یا جنگجویان و نه بزه‌کاران قرار می‌دهد. این جنگجویان نمایندگان میلیون‌ها نفر بوده که در راستای حمایت از هویت فرهنگ مادر خود مبارزه می‌کنند. در دیدگاه کلاسیک و سنتی که از طریق آن سعی بر سرکوبی تروریسم از طریق سیستم عدالت کیفری است، مجرم در برابر سیستم عدالت کیفری به نمایندگی از جامعه قرار می‌گرفت. در این سازوکار تروریست فردی است مشخص با اتهام معین و هدف و مطلوب سیستم، مجازات بزه‌کار و ترمیم زیان‌های ناشی از وقوع عمل مجرمانه است. اما جنگ علیه تروریسم، مجرمان تروریست را به مبارزانی تبدیل کرده که سیستم عدالت کیفری را یارای مبارزه با آن‌ها نیست و از این روست که ابزار جدیدی به‌عنوان جای‌گزین‌های سیستم کیفری پیش‌بینی شده و جهت سرکوب تروریسم به کار گرفته می‌شوند.

۴-۱- دشمنان نامحدود ناشی از تلقی جنگ با تروریسم

زمانی که مرتکبان اقدامات تروریستی به‌عنوان مبارز جنگی شناخته شوند، گروه بزرگی

۲۵. رک. کدخدایی، پیشین.

از افراد که قومیت مادر مرتکبان را شکل می‌دهند به‌عنوان دشمن شناخته خواهند شد؛ چرا که مبارزان جنگ، سربازانی هستند که به نمایندگی از یک گروه گسترده مبارزه می‌کنند. از این روست که اعلام جنگ نه به معنای اعلام جنگ علیه یک سرباز، که اعلام جنگ علیه یک گروه گسترده است که دشمن نام دارد.

با پذیرش این ادعا که قبل از حمله‌ی آمریکا به افغانستان هیجده هزار نفر از اعضای القاعده در این کشور آموزش می‌دیدند و پس از حمله تنها یک پنجم از این تعداد هنوز زنده هستند، در حال حاضر تنها پنج هزار نفر از اعضای القاعده در این شبکه فعالیت می‌کنند.^{۲۶} این تعداد نسبت به بسیاری از گروه‌های بزه‌کار سازمان‌یافته که در آمریکا و یا سایر نقاط جهان فعالیت می‌کنند، رقم بالایی محسوب می‌شود؛ اما آیا به اندازه‌ای است که جنگ نامحدود علیه دشمن نامحدود را توجیه کند؟ اعلام جنگ علیه چنین دشمنی به‌واقع نشان دادن تروریسم به اندازه‌ی بیش از واقعی آن است. این تظاهر از یک سو به سود تروریست‌هاست چرا که توجه همگان را به آن‌ها و به خواسته‌های آن‌ها جلب می‌کند و از سوی دیگر به سود ایالات متحده‌ی آمریکا به‌عنوان رهبر مبارزه با تروریسم است چرا که این کشور را در ساختار بندی جدید جهان تحت عنوان جنگ با تروریسم کمک می‌کند.

۲- تبعیض پیامد جنگ با تروریسم: رجوعی به پیشامد رن

برچسب خوردن تحت عنوان دشمن پیامدی است که بلافاصله پس از اعلان جنگ با تروریسم خود را نشان می‌دهد. توضیح این که هدف‌ها در سیستم عدالت کیفری مشخص بوده و عبارت هستند از افرادی که مرتکب نقض قانون و ارزش‌های جامعه شده‌اند،

26. Robb, J., An Estimate of Al-Qaeda Current Strength, available at:
http://www.globalguerillas.typepad.com/globalguerillas/2004/05/journal_an_esti.html.

صرف‌نظر از این‌که به چه گروهی تعلق داشته و از کجا آمده‌اند. بر این اساس گرچه گروه‌های بزه‌کار متعددی در جهان وجود دارند که تحت عنوان گروه‌های بزه‌کار چینی، ایتالیایی، روسی یا کلمبیایی قابل شناسایی هستند اما هرگز تعلق داشتن این گروه‌ها به یک گروه قومی بزرگ‌تر، به معنای آن نیست که سیستم‌های حقوقی جهان نسبت به آن گروه قومی مادر دیدگاه یا ذهنیتی متفاوت دارند. اما اعلان جنگ علیه تروریسم، متهمان را در موضعی مخالف قرار داد که بر خلاف دیدگاه حاکم در سایر جرایم، برای متهمان تروریستی وضعیتی تبعیض‌آمیز ایجاد کرد.

با اعلان جنگ علیه تروریسم توسط رییس جمهوری آمریکا این امر در مورد افراد متعلق به گروه قومی تروریست‌ها به‌نحوی متفاوت جلوه کرد. پس از اعلام این‌که مرتکبان حادثه‌ی سال ۲۰۰۱ عرب‌های مسلمان بوده‌اند موجی از دشمنی و حتی در برخی مواقع خشونت نسبت به اعراب مسلمان، به‌عنوان افراد متعلق به قومیتی که تروریست‌ها نیز جزئی از آن بودند، آغاز گردید.^{۲۷} این دشمنی به اعلان جنگ با تروریسم بی‌ارتباط نبود، تا جایی که باعث گردید نزدیک به هزار عرب مسلمان در ایالات متحده دستگیر شده و بدون ایراد اتهام و رسیدگی قضایی زندانی شوند.^{۲۸} نتیجه‌ی این امر شیوع چنان موجی از نفرت به اسلام در اروپا و آمریکا بود که ۱۱ سپتامبر را نه به‌عنوان اقدامی علیه بشریت^{۲۹}

27. Kaplan, J., Islamophobia in America?: September 11 and Islamophobic Hate Crime, Terrorism and Violence, 2006, p. 18.

28. Parker, A.; Fellner, J., Above the Law: Executive Power after 9/11 in United States, available at: <http://www.hrw.org/wr2k4/8htm>.

۲۹. بسیاری، حوادث یازده سپتامبر را جرم علیه بشریت می‌دانند. از جمله‌ی این افراد کوفی عنان، دبیرکل قبلی سازمان ملل متحد است. وی این اقدامات را حمله‌ای به تمام بشریت توصیف کرد و اظهار داشت همه‌ی بشر وظیفه دارند با تروریست‌ها مبارزه کنند (رک. لنینکتر، اندرو، مبارزه با تروریسم؛ تلاشی بیهوده،

بلکه به‌عنوان نقطه‌ی آغاز و شروع یک فرآیند نسل‌کشی علیه مسلمانان معرفی کرد. بازداشت این افراد به صورت محرمانه انجام می‌شد و معمولاً دولت با صدور وثیقه برای این زندانیان مخالفت می‌کرد. بازداشت‌شدگان در وضعیتی بسیار سخت هم‌راه با مجرمان کیفری نگهداری می‌شدند. تماس آن‌ها با خانواده و وکلایشان به‌شدت محدود بود. گزارش‌های تحقیق و تفحص دولت نشان می‌دهد که حقوق این افراد طی این دوره به صورت گسترده‌ای نقض شده است.^{۳۰} با وجود این، مسئله دادستان کل ایالات متحده، جان/اشکرافت، در پاسخ به این ادعا که چنین بازداشت‌هایی مبنای نژادپرستانه دارد گفت: ما تا آن‌جا که می‌توانیم داریم مهربانی می‌کنیم و انصاف به خرج می‌دهیم.^{۳۱}

این اقدامات نمونه‌ی بارزی از تبعیض هستند و این در حالی است که هنجارهای بین‌المللی آشکاراً تبعیض بر اساس نژاد، ملیت یا مذهب را منع می‌کنند. از جمله می‌توان به بند ۳ ماده‌ی یک منشور ملل متحد اشاره کرد که تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را

←

ترجمه‌ی محمد صفار، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی (گزارش راهبردی)، بهمن ۱۳۸۲، ص. ۶. این نظر نیز همانند تمامی گفته‌ها درباره‌ی این حادثه، هم‌راه با اغراق و گرافه‌گویی‌های بسیار است. آن‌چه در ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد گرچه بسیار بد بود، اما به‌واقع منطبق با ماده‌ی ۷ اساسنامه‌ی دادگاه کیفری بین‌المللی که جرم علیه بشریت را تشریح می‌کند و سایر اسناد موجود در این زمینه نبود، و علیه بشریت دانستن آن زائیده‌ی نقش جهانی آمریکا است. اگر به‌واقع حملات یازده سپتامبر حمله‌ای است به بشریت که الزام همکاری تمام افراد بشر را برای مبارزه با تروریست‌ها ایجاد می‌کند، آن‌چه در پایان جنگ جهانی دوم در ژاپن رخ داد را چه می‌توان نامید و برای محکومیت آن کدام اقدام شایسته است؟
۳۰. هافمن، پل، «تروریسم و حقوق بشر»، ترجمه‌ی علیرضا ابراهیم گل، مجله حقوقی، شماره‌ی ۳۴، ص. ۱۴۶.

۳۱. توماس، فیلیپ، ای، «واکنش‌های قانونی به تروریسم»؛ نگرشی انتقادی، نشر پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی (گزارش پژوهشی)، ۱۳۸۲، صص. ۱۲-۱۳.

برای همگان صرف‌نظر از نژاد، جنسیت، زبان و مذهب مورد توجه قرار می‌دهد. به علاوه ماده‌ی ۷ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، دولت‌ها را متعهد می‌نماید که مراقب باشند در نظام حقوقی‌شان هیچ گونه تمایزی از حیث نژاد، جنس، رنگ و عقیده‌ی سیاسی راه نیابد و همه به‌طور یک‌سان در حمایت قانون قرار گیرند.^{۳۲} تلاش‌های بین‌المللی در راستای ممنوعیت تبعیض نژادی منجر به تصویب کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه‌ی اشکال تبعیض نژادی در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ گردید؛ در ماده‌ی ۱ تا ۷ این کنوانسیون راه‌کارهایی برای امحای تبعیض نژادی معرفی شده و دولت‌ها متعهد به اعمال و اجرای این راه‌کارها شده‌اند.

باوجود تمامی دستاوردهای حقوق بین‌الملل که ذکر آن رفت، به‌عنوان یکی از پیامدهای یازده سپتامبر و جنگ با تروریسم، دولت آمریکا با تحت فشار قرار دادن جوامع مهاجران، طرد و تبعیض را که قواعد حقوق بشری برای حذف آن‌ها بسیار تلاش کرده‌اند تقویت می‌کند و در نتیجه ایجاد تفاهم و همکاری بین جوامع در جنگ با تروریسم را مشکل‌تر می‌سازد.^{۳۳}

این اقدامات، دولت آمریکا را که به‌دنبال گردآوری اطلاعات درباره‌ی گروه‌های تروریستی از طریق اعراب مسلمان بود با نتیجه‌ای معکوس مواجه ساخت، چرا که اعراب در پی این اقدامات به مقامات دولتی آمریکا بدبین شده و همین مانع از آرایه‌ی کمک از سوی ایشان گردید.

علاوه بر موارد گفته شده، جنگ با تروریسم به تبعیض فرهنگی انجامید؛ تبعیض فرهنگی‌ای که در قالب تئوری برخورد تمدن‌ها اساس سیاست و تلقی جنگ با تروریسم را

۳۲. لوین، لیا، پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر، ترجمه‌ی محمد جعفری‌پورنده، نشر قطره، سال ۱۳۷۷، ص. ۱۳۳.

۳۳. همان، ص. ۱۴۷.

شکل داد. بر این مبنا سه دسته‌بندی استعاری از افراد وجود دارد: وحشیان، بزه‌دیدگان و منجیان. در این طرز تفکر، دموکراسی و لیبرالیسم غربی برای آزاد ساختن فرهنگ‌های وحشی غیرغربی از دست خودشان و نیز به منظور نجات بزه‌دیدگان که عمدتاً غیراروپایی و غیرغربی هستند، شکل جهانی به خود می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه طالبان استعاری وحشیان و افغانیان استعاره‌ای از قربانیانی هستند که در دوران ماقبل مدرن تیه مانده‌اند و آمریکاییان استعاره‌ای از منجیان می‌باشند.^{۳۴}

ادعای دولت آمریکا مبنی بر دفاع مشروع در حمله‌ی نظامی به افغانستان، هم‌راه با این واقعیت که هیچ دولت یا سازمان بین‌المللی قادر نبود در این زمینه ایراد و یا حتی پرسشی مطرح نماید، گواهی است بر تایید مطلب فوق. مبانی متعصبانه‌ای که ساختار این طرز تلقی را شکل می‌دهد جهان را به صحنه‌ی نمایشی برای خواسته‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی اروپا و آمریکا نشان می‌دهد. این برتری جهانی نژاد سفید اروپایی بر افراد غیراروپایی بر این مبنا استوار است که اروپا مرکز جهان، مسیحیت اساس تمدن، کاپیتالیسم مبنای اقتصاد و امپریالیسم مرکز سیاست است.

بر اساس این تلقی، غرب به‌عنوان مرکز جهان مورد اشاره قرار می‌گیرد و هر کشور یا منطقه‌ی دیگری به‌عنوان جزئی از اروپا شناخته می‌شود. در بحران‌های کنونی برخاسته از بحران تروریسم سخن عمده این است که سنت‌های مسیحی و یهودی اساس اخلاقی تمدن و منطق را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که بدون آن‌ها رسیدن به حقوق بشر به صورت کامل غیرممکن است.

34. Makau, Mutua, "Savages, Victims and Saviors: The Metaphor of Human Rights", International Law Journal, No. 42, 2001, p. 201.

بدین ترتیب جهان به دو قسمت اروپایی و غیراروپایی تقسیم می‌گردد که البته در این میان اولویت با قسمت نخست است. این امر با دسته‌بندی افراد و فرهنگ‌ها حاصل می‌شود. عضویت در جامعه‌ی بین‌المللی بسته به تشخیص قدرت‌های اروپایی و آمریکایی است و آن‌ها تصمیم می‌گیرند که چه کسی و با چه شرایطی به این جامعه تعلق دارد و می‌تواند از مزایای حقوق بین‌الملل استفاده کند. نمونه‌ی افغانستان هیچ تردیدی در مورد اربابان جهان باقی نگذاشت.

۳- گوانتانامو: نقطه‌ی صفر یا بدترین جای دنیا

گوانتانامو نام محلی است در خاک کوبا که برای اجاره با مدت نامحدود به ایالات متحده واگذار شده است. گوانتانامو یا آن‌گونه که نظامیان آمریکایی از آن نام می‌برند، گیتمو یا گتمو، بخش منحصربه‌فردی از سرزمین کوبا است که یک اجاره‌نامه‌ی دایمی آن را تحت اداره‌ی آمریکا قرار داده است. از آنجایی که این سرزمین متعلق به کوبا است و تشویش‌های مربوط به روابط خارجی و امنیت ملی را به حداقل می‌رساند وزارت دادگستری آمریکا تشخیص داده که در آنجا خطر دعوی قضایی به حداقل خواهد رسید؛ بنابراین گوانتانامو هرچند بدترین جای دنیا اما از لحاظ حقوقی بهترین جای آن محسوب می‌شود؛^{۳۵} چرا که همان‌گونه که بعدها دولت آمریکا در استدلال خود به دیوان‌عالی این کشور شرح داد باوجود اجاره‌نامه‌ی نامحدود ایالات متحده‌ی آمریکا، حاکمیت برگیتمو هنوز در اختیار کوبا است و بنابراین غیرنظامیان خارجی توقیف شده در آنجا نمی‌توانند

۳۵. رز، دیوید، گوانتانامو جنگ آمریکا علیه حقوق بشر، ترجمه‌ی نجله خندق، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص. ۴۷.

شکایت خود را به دادگاه‌های آمریکا ارجاع دهند.^{۳۶} از این رو برای نگه‌داشتن یک زندانی در آن‌جا احتیاج به تشکیل محکمه نیست و تنها کافیت که به‌طور قطع گفته شود که دستگیر شده از محارب‌ان طالبان یا از اعضای القاعده است.^{۳۷} این محل به‌عنوان محل نگهداری بازداشت‌شدگان متهم به تروریسم مورد استفاده قرار می‌گیرد. دستگیرشدگان در افغانستان، عراق یا هر محل دیگری که مظنون به تروریست باشند به این محل آورده می‌شوند و برای کسب اطلاعات تحت بازجویی قرار می‌گیرند. گفتنی است تا مدتی اجازه‌ی بازدید از این بازداشتگاه به صلیب سرخ جهانی نیز داده نمی‌شد. به هر رو پس از افشای اطلاعات و تصاویر مربوط به زندان ابوغریب در عراق، این محل در کانون توجهات خبری و حقوق بشری قرار گرفت.^{۳۸}

۱-۳- گوانتانامو: قربان گاه عدالت بشری

بازداشت بیش از ششصد تن از متهمان اقدامات تروریستی در گوانتانامو کم‌کم به آشکارترین نمونه‌ی تهدید چارچوب حقوق بشر تبدیل شده است؛ تهدیدی که جنگ با تروریسم مسبب آن است.^{۳۹} در بیستم ژانویه ۲۰۰۲ کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ برای نخستین بار مجوز بازدید از گیت‌مو را دریافت کرد. نمایندگان این کمیته پس از بازدید، نگرانی‌های خود را در این زمینه بیان داشتند.^{۴۰} این نگرانی‌ها موجب گردید که با وجود

۳۶. همان، صص. ۴۶-۴۷.

۳۷. همان، ص. ۴۶.

۳۸. رییس جمهور جدید آمریکا وعده‌ی تعطیلی این زندان را مطرح کرد ولی با وجود کاهش شمار زندانیان این زندان هنوز تعطیل نشده است.

۳۹. هافمن، پیشین، ص. ۱۴۰.

۴۰. رز، پیشین، ص. ۸۴.

محافظه‌کاری کمیته‌ی صلیب سرخ در افشای اطلاعات یا موضع‌گیری‌های صریح به خاطر ترس از به خطر افتادن موقعیت خود، مشاهدات خود از گوانتانامو را به اطلاع رسانه‌ها برساند. فلورین وستفال در همین راستا بیان داشت: «ما مواردی را مشاهده کرده‌ایم که حاکی از بدتر شدن هولناک سلامت روانی زندانیان است. آن‌ها به هیچ‌وجه ایده‌ای درباره‌ی سرنوشت خود نداشته و برای مراجعه به هرگونه مکانیسم شروع هیچ راهی را نمی‌یابند. اسارت آن‌ها در گوانتانامو ادامه می‌یابد و آن‌ها در رابطه با آنچه در حال روی دادن است هیچ نظری ندارند. ما نگران این هستیم که فشار بر آن‌ها جدی‌تر شود».^{۴۱}

۱-۱-۳- بازداشت خودسرانه

آزادی شخصی لازمه‌ی وجودی انسان و به‌عنوان یکی از حقوق فطری غایت جامعه‌ی بشری است و از این رو همگان باید به دیده‌ی احترام به آن بنگرند و از تعرض به آن احتراز کنند.^{۴۲} برای حمایت و حفاظت از این آزادی یکی از تضمین‌هایی که در عرصه‌ی قواعد حقوق بشری قابل پیگیری می‌باشد، ممنوعیت بازداشت خودسرانه است. این ممنوعیت ابزاری است برای حمایت از آزادی. ماده‌ی ۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در همین راستا مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود». بند یک ماده‌ی ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی نیز بیان می‌دارد: «هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد. از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و بر اساس آیین دادرسی مقرر به حکم قانون».

۴۱. همان، ص. ۵۵.

۴۲. هاشمی، محمد و دیگران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، فروردین ۱۳۸۳، ص. ۱۸۶.

در تعریف بازداشت خودسرانه نیز گفته شده که بازداشت در صورتی خودسرانه است که یک- به جهات و بر طبق آیین دادرسی بر خلاف قانون باشد و دو- بر اساس مفاد قانونی باشد که هدف آن بر خلاف حق بر آزادی و امنیت اشخاص باشد.^{۴۳}

بدین ترتیب همان‌گونه که کمیسیون حقوق بشر در قطع‌نامه‌ی ۱۹۹۱/۴۲ و ۱۹۹۷/۵۰ اعلام کرده، محرومیت از آزادی زمانی خودسرانه است که به هر دلیل مخالف موازین بین‌المللی مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر یا اسناد بین‌المللی مربوط که به تصویب دولت‌ها رسیده است باشد. بر این اساس معیارهایی که نبود آن‌ها یک بازداشت را به صفت خودسرانه متصف می‌کند را می‌توان به ترتیب زیر برشمرد: ۱- حق بر آگاهی از دلایل بازداشت (بند ۲ ماده‌ی ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)؛ ۲- حق بر حضور فوری در مقابل یک مقام قضایی (بند ۳ ماده‌ی ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)؛ ۳- آزادی مشروط در انتظار محاکمه (بند ۳ ماده‌ی ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)؛ ۴- حق بر دادرسی در مدت زمان معقول و یا آزادی متهم (بند ۳ ماده‌ی ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)؛ ۵- حق بر تظلم به دادگاه نسبت به غیرقانونی بودن بازداشت (بند ۴ ماده‌ی ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)؛ ۶- حق بر جبران خسارت در مقابل بازداشت غیرقانونی (بند ۵ ماده‌ی ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)؛ ۷- حق تماس و ملاقات؛ ۸- حق دسترسی به وکیل؛ ۹- دسترسی به اعضای خانواده؛ ۱۰- ممنوعیت شکنجه و سوءرفتار؛ ۱۱- شکایت از شکنجه و سوءرفتار.^{۴۴}

۴۳. رک. منافی فسقندیس، آرام، «ممنوعیت بازداشت خودسرانه»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه

شهید بهشتی، سال ۱۳۸۳، ص. ۳۵.

۴۴. رک. همان، صص ۳۰-۶۵.

بر اساس آنچه گفته شد بازداشت باید تحت نظارت مقام قضایی و به‌موجب قانون انجام شود. اما زندانیان *گوانتانامو* چگونه به این محل آورده می‌شوند؟ این افراد دستگیرشدگانی هستند که عمدتاً از افغانستان خریداری شده^{۴۵} و به‌عنوان تروریست به این محل آورده می‌شوند و از این رو نه اسیر جنگی محسوب می‌شوند و نه به قطع می‌توان آن‌ها را تروریست یا حامی تروریسم دانست. این افراد نه در دادگاهی محاکمه می‌شوند و نه حق اعتراض به مقام قضایی به خاطر بازداشت خود را دارند و حتی در بسیاری از موارد کسی از حضور آن‌ها در این محل نیز اطلاعی ندارد.

این ابهامات به‌شدت منع بازداشت خودسرانه را به‌عنوان یکی از دستاوردهای بشری در *گوانتانامو* زیر سوال برده و رعایت آن را در این محل ناشناخته با تردید جدی مواجه می‌سازد.

۲-۱-۳- شکنجه

شکنجه از دیرباز وجود داشته و دولت‌ها معمولاً برای کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار و کشف جرم از آن بهره می‌برده‌اند. ولی به تدریج مخالفت‌ها و مبارزات علیه این عمل غیرانسانی گسترش پیدا کرد و با فعال شدن سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری، تلاش برای از بین بردن شکنجه آغاز شد.^{۴۶}

۴۵. جان سینتون یکی از محققان محافظان حقوق بشر در افغانستان قیمت استاندارد برای هر مظنون به تروریست را پنج هزار دلار می‌داند که از طرف ایالات متحده برای تحویل دادن چنین افرادی پرداخت می‌شد. به علاوه دیوید رز در مصاحبه با یکی از بازداشت‌شدگان *گوانتانامو* همین قیمت را تایید می‌کند (رک. رز، پیشین، ص. ۵۰).

۴۶. بصیری، عباس، «روند جهانی شدن حقوق بشر و تاثیر آن بر حاکمیت دولت‌ها»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۳۸۱، ص. ۴۴.

شکنجه یک عمل غیرانسانی است و گواه روشنی بر عدم صداقت برخی انسان‌ها بر ادعای تساوی حقوق بشر، عدالت و برابری می‌باشد؛ افرادی که زمام‌داری حکومت را در دست داشته و به خاطر لذت حکومرانی و بقای آن از مسیر حق و عدالت خارج شده و دست به اعمالی ضدانسانی علیه مخالفان خود می‌زنند و به سرکوب آن‌ها می‌پردازند.^{۴۷} شکنجه در عرصه‌ی بین‌المللی منع شده است و اسناد متعددی آن را مورد توجه قرار داده‌اند.^{۴۸} بند یک ماده‌ی ۱ کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴، ممنوعیت شکنجه را مطلق دانسته و هیچ وضعیت استثنایی و فوق‌العاده از قبیل جنگ، بی‌ثباتی سیاسی داخلی و هرگونه وضعیت اضطراری دیگر را توجیه‌گر شکنجه نمی‌داند.

مبنای منع شکنجه برابری ارزشی انسان‌هاست چه این که هر انسانی از آن جهت که انسان است از ارزش غایی برخوردار است و نمی‌توان او را وسیله‌ای برای اهداف دیگران از جمله کسب اطلاعات، گرفتن اقرار و اهداف حکومتی قرار داد. این همان اصل کرامت ذاتی انسان یا اصل ممنوعیت ابزار قرار دادن انسان است.^{۴۹} به علاوه که شکنجه از نظر اجتماعی و دینی نیز منفور و ممنوع بوده و از این رو نه تنها حرمت اخلاقی که حرمت

۴۷. بیک محمدی، مهسا، «بررسی تحلیلی کنوانسیون منع شکنجه و رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، فروردین ۱۳۸۲، ص. ۴۱.

۴۸. از جمله اسناد بین‌المللی که به ممنوعیت شکنجه می‌پردازند عبارت‌اند از: کنوانسیون‌های ژنو، منشور ملل متحد، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ...

۴۹. فلاح‌زاده، علی محمد، «بررسی تطبیقی منع شکنجه و هتک حرمت و حیثیت در کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و موهن و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴، صص. ۸۷-۸۸.

اجتماعی و دینی نیز دارد.^{۵۰}

اما شکنجه با همه‌ی مذمومیت و منفوریت خود نقل هر بحثی از *گوانتانامو* است. هر زمان که سخن از این محل ناشناخته به میان می‌آید، نخستین بحثی که توجه همگان را به خود جلب می‌کند، شکنجه است.

یادداشتی که در تاریخ ۶ مارس ۲۰۰۳ از سوی یک گروه کاری تحت نظارت مجمع عمومی وزارت دفاع ایالات متحده‌ی آمریکا در ارتباط با به کارگیری شیوه‌های مناسب در برخورد با زندانیان *گوانتانامو* صادر شد، به تنهایی می‌تواند توجیه‌گر و مجوز شکنجه باشد، هرچند این یادداشت نه اولین و نه آخرین از این دست بود. این یادداشت با یادآوری حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر به عنوان اقدامی خلاف انسانیت، تاکید می‌کند که بازداشت‌شدگان گیتمو خارج از حوزه‌ی قضایی دادگاه‌های فدرال هستند و بنابراین ممنوعیت تنبیه بی‌رحمانه و غیرمعمول قانون اساسی ایالات متحده‌ی آمریکا شامل حال آن‌ها نمی‌شود^{۵۱} و این است که آن‌گونه که گفتیم *گوانتانامو* نقطه‌ی صفر دنیاست.

۲-۳- زندانیان *گوانتانامو*: تروریست یا بدشانس‌ترین افراد

بدون تردید تمامی زندانیان *گوانتانامو* به اتهام انجام اقدامات تروریستی دستگیر شده‌اند و از همین رو خطرناک‌ترین افراد بشر شناخته شده و حق زندگی در میان افراد عادی بشر را ندارند. با این وصف حالت خطرناک این افراد است که باعث گردیده از بسیاری حقوق انسانی منع و محروم شوند. اما آیا به‌راستی آن‌ها تروریست هستند؟

۵۰. رک. همان، صص. ۹۵-۹۰.

۵۱. رک. رز، پیشین، صص. ۱۲۰-۱۱۹.

تحقیقات دیوید رز به این پرسش پاسخ منفی می‌دهد. او به نقل از جان سیفتون می‌نویسد کسانی که با نام تروریست خریداری می‌شوند اکثراً از افراد معمولی کوچه و بازار هستند، برای مثال یک کشاورز یا راننده‌ی تاکسی به همراه تمامی مسافران خود؛ به عبارت دیگر مردمی که مطلقاً با طالبان یا تروریست‌ها در ارتباط نبوده و در عمل از آن‌ها نفرت داشته و یا با آنان می‌جنگیدند. به علاوه گروهی دیگر نیز به علت حسادت سایرین و در پی انگیزه‌های مالی یا اختلافات ارضی به اسارت درآمده‌اند که اغلب پس از فرستادن به گیتمو، خانه‌ها و سایر اموالشان به غارت می‌رود.^{۵۲} بدین ترتیب ملاک تروریست بودن بر این اساس طمع شکارچیان انسان برای گرفتن دستمزد پنج هزار دلاری دستگیری تروریست و یا حسادت اطرافیان است.

بدشانشی زندانیان گوانتانامو در شناخته شدن به عنوان مظنونان تروریست در مقاله‌ای که در ژوئن ۲۰۰۴ در نیویورک تایمز چاپ شد به نحو بارزی خود را نشان می‌دهد. در این مقاله نتایج مطالعه‌ی صورت گرفته حکایت از آن داشت که بسیاری از کسانی که متهم به تروریسم بودند ظاهراً از نیروهای بی‌تجربه‌ای محسوب می‌شدند که به منظور حمایت از طالبان یا حتی حمایت از افرادی که در آشوب ناشی از جنگ گرفتار شده بودند، عازم افغانستان شده بودند.^{۵۳} قضیه‌ی سید عباسین نمونه‌ای از این ادعاست. این فرد یک راننده‌ی تاکسی در افغانستان بود که در آوریل ۲۰۰۲ در گردیز بازداشت شد. او از شانس بدش چند مسافر عضو گروه طالبان را به شهر خست برده بود. وی پس از بازداشت و نگه داشته شدن در گوانتانامو به مدت یک سال، در آوریل ۲۰۰۳ بدون هیچ محاکمه یا اتهامی آزاد

۵۲. همان، صص. ۵۱-۵۰.

۵۳. همان، ص. ۵۷.

شد.^{۵۴}

اطلاعات به دست آمده از زندانیان *گوانتانامو* نیز نظر فوق را تایید می‌کند. اکثر اطلاعات به دست آمده از بازجویی‌های *گوانتانامو* از لحاظ کیفیت بسیار کلی به نظر می‌رسند به گونه‌ای که تقریباً مضمثر نیستند.^{۵۵} این امر نشان‌گر آن است که اطلاعات مذکور نه از افراد تروریست و اعضای طالبان بلکه از افراد عامی و عادی کوچه و بازار کسب شده است و از این روست که منبع اطلاعاتی ارزشمندی را تشکیل نمی‌دهد.

۴-دست‌آورد جنگ با تروریسم

جنگ با تروریسم دست‌آوردی عمده داشت و آن عبارت است از قربانی کردن حقوق بشر. نظام حقوق بشر که با سختی از دل دوران مدرنیته بیرون کشیده شد در دوران جنگ با تروریسم به شدت در معرض تهدید واقع گردید و تا حد زیادی در این ارتباط نادیده گرفته شده و مورد بی‌مهری واقع گردید.

موج گسترده‌ی جهانی مبارزه با تروریسم از یک سو منجر به تصویب قوانینی شد که با فاصله گرفتن از رویکردهای شهروندمحور و تمایل به سمت دیدگاه امنیت‌محور به میزان زیادی حقوق بشر را در قانون‌گذاری داخلی کشورها قربانی ساخت و از سوی دیگر، در این موج شیوه‌ای برای جنگ برگزیده شد که استانداردها و دست‌آوردهای حقوق بشری به راحتی نقض شدند.

۵۴. هافمن، پیشین، ص. ۱۴۵.

۵۵. رز، پیشین، ص. ۱۳۸.

قوانین تصویب شده^{۵۶} در این راستا آشکارا با حقوق بشر در تعارض هستند. در عین حال قوانین مذکور در رویارویی با قوانین حقوق بشر راه‌حلهایی ارائه می‌کنند که این راه‌حل‌ها خود نیز با حقوق اساسی افراد در تعارض هستند. از جمله می‌توان به اختیارات وسیع مبنی بر بازداشت افراد خارجی متهم به ارتباط با گروه‌ها و فعالیت‌های تروریستی اشاره کرد که استرداد آن‌ها پیش‌تر به دلیل محدودیت‌های موجود در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر غیرممکن بوده است. به علاوه، این قوانین از آنجایی که آزادی و فضاهای عمومی را به عنوان خطرانی بالقوه در نظر می‌گیرند به نوعی مخل حقوق شهروندی هستند.

۵۷

۵۶. از جمله‌ی این قوانین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قانون پاتریوت ۲۰۰۱ آمریکا؛ قانون جرم و امنیت ۲۰۰۱ انگلستان؛ قانون شماره‌ی ۸۳ سال ۲۰۰۱ مجارستان؛ قانون مبتنی بر اقدامات ویژه علیه تروریسم ۲۰۰۱ ژاپن.

۵۷. رک. آلبرشت، هانس یورگ، «تروریسم؛ خطر و قانونگذاری»، مترجمان: مهدی مقیمی و مجید قورچی بیگی، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، سال سوم، شماره‌ی یازدهم، زمستان ۱۳۸۵.

نتیجه‌گیری

با وجود همه‌ی ایرادات وارد بر ایده‌ی جنگ با تروریسم، این تفکر در حال حاضر، جهان را عرصه‌ی جدالی قرار داده است که گویی پایانی بر آن نیست. حوادث دل‌خراشی که روزانه در افغانستان و عراق اتفاق می‌افتند همراه با کشتی به گل نشسته‌ی «گرگ دریا»^{۵۸} که داعیه‌ی ایمن کردن جهان را در سر دارد، تنها دستاوردی که داشته را نومیدی است و بس. تردیدهای وارد بر این نبرد،^{۵۹} پرسشی را به ذهن متبادر می‌کند و آن این که آیا جنگ با تروریسم یک واقعیت است یا دروغی بزرگ؟

۵۸. اشاره است به رمان *گرگ دریا اثر جک لندن*. این رمان در سال ۱۹۰۴ منتشر شد و به سرعت با استقبال خوانندگان روبه‌رو شد. *جک لندن* در این رمان داستان *هامفری وان ویدن*، روشنفکری را بیان می‌کند که در اثر غرق شدن کشتی خود، اسیر گروهی ملوان خشن به سرپرستی شخصی بنام *ولف لارسن* می‌شود که او را با کشتی به دریاها می‌برد. *ولف لارسن* مردی است بی‌اخلاق و خشن که قدرت بدنی زیادی دارد و در عین حال خودآموخته است و کتاب‌های زیادی خوانده است. داستان با ورود زنی بنام *ماد بروسر* که شاعر مشهوری است صورت دیگری می‌گیرد و *هامفری* که عاشق *ماد* شده در جزیره‌ای دورافتاده با همکاری او از پس *ولف* برمی‌آید. *جک لندن* در این رمان به «آبر انسان» نیچه نظر داشته و در داستان به بزرگان عرصه ادب و اندیشه مانند *هربرت اسپنسر*، *عمر خیام*، *هیپولیت تن*، *شکسپیر* و *جان میلتون* اشاره دارد. این کتاب پر از اصطلاحات *دریانوردی* است و *جک لندن* در نوشتن آن (مانند بسیاری از دیگر رمان‌های خود) از تجربه‌ی زندگی خود بهره گرفته است. رک.

<http://www.fa.wikipedia.org/wiki>.

۵۹. جرج بورش با اشاره به وجود برخی تردیدها در ارتباط با جنگ عراق بیان داشته است: پنج سال جنگ تردیدهایی را به همراه داشته است که آیا این جنگ ارزش جنگیدن دارد و این که آیا این جنگ ارزش پیروز شدن دارد یا این که اساساً ما می‌توانیم برنده شویم؟ البته پاسخ به این مسایل برای ایشان روشن است چرا که در ادامه بیان می‌دارد برداشتن صدام حسین از قدرت یک تصمیم صحیح بوده است و آمریکا می‌تواند و باید در این جنگ پیروز شود. رک.

<http://www.whitehouse.gov/news/releases/2008/03/20080319-2.html>

منشا اصلی این تردید در هویت مبارزان با تروریسم جهانی است. بحث را با این پرسش آغاز می‌کنیم که مبارزان با تروریسم چه کسانی هستند و در شکل‌گیری تروریسم چه جایگاهی دارند؟ مروری بر تاریخچه‌ی تروریسم در جهان ما را به این حقیقت خواهد رساند که تاریخ ایالات متحده‌ی آمریکا به‌عنوان رهبر مبارزه‌ی جهانی با تروریسم ستون فقرات تاریخچه‌ی تروریسم را شکل می‌دهد. بر این اساس تاریخ آمریکا به مثابه تاریخ ترور است. کشتار سرخپوستان که هم‌راه با ورود اولین سفیدپوست به قاره‌ی آمریکا آغاز گردیده تابلوی وحشتناکی است که چهره‌ی انسانیت را شرمنده و خجل زده نموده است.^{۶۰} این حقیقت موجد یک پرسش خواهد بود و آن این که آیا به‌واقع نهضت جهانی مبارزه با تروریسم تلاشی است برای از بین بردن تروریسم؟ آیا نبرد یک غول برای از بین بردن تمامی غول‌های جهان^{۶۱} نبردی است واقعی یا خیالی خام؟

عامل دیگر این تردید را باید در سیاست خارجی ایالات متحده جست‌وجو کرد. مروری بر حوادث پس از جنگ سرد حاکی از این واقعیت است که ایالات متحده پس از پیروزی در برابر تهدید کمونیسم با بحران هویت یا بحران معنایی از تعریف از خود روبه رو شد. این امر موجب گردید تا این کشور به نوعی دگرسازی جدید متوسل شود که می‌توانست اساس هویت‌سازی آمریکا پس از جنگ سرد را شکل دهد. مفاهیم بنیادینی که این دگرسازی را شکل دادند عبارت بودند از تروریسم، دولت سرکش و اشاعه‌ی سلاح‌های کشتار جمعی که تهدید علیه آمریکا پس از جنگ سرد را شکل می‌دهند. هویت‌سازی جدید ایالات متحده دشمن جدیدی را معرفی کرد؛ دشمنی ایدئولوژیک که

۶۰. دیلیپاک، عبدالرحمن، تروریسم، ترجمه‌ی واحد تدوین و ترجمه‌ی معاونت فرهنگی، نشر مرکز چاپ و

نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص. ۱۲۳.

۶۱. اشاره است به فیلم سینمایی پسر جهنمی محصول سال ۲۰۰۸ هالیوود به کارگردانی گیرمو دلتورو.

می‌توانست به گونه‌ای موثر در باورها تثبیت شود.^{۶۲}

هانتینگتون با مطالعاتی که انجام داد مهم‌ترین مشکل فراروی آمریکا را بر اساس نشانه‌هایی از فقدان هویت مورد تحلیل قرار داده است. وی به این جمع‌بندی رسیده که انسجام هر مجموعه‌ای بر اساس «وجود دیگری» شکل می‌گیرد و اگر «دیگری» وجود نداشته باشد طبیعی است که هویت انسجام‌گر نیز کارکرد خود را از دست می‌دهد. هانتینگتون درصدد هویت‌سازی برای ساختار سیاسی آمریکا بود. از آنجایی که هویت بر مبنای «دیگری» تعریف می‌شود از این رو وی اصلی‌ترین ضرورت امنیت ملی آمریکا را تقابل‌گرایی استراتژیک دانسته است.^{۶۳}

ساختاربندی جدید هویتی ایالات متحده نیاز به یک نقطه‌ی شروع داشت. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه شروع شکل‌دهی به این هویت جدید بود. آنچه در این روز رخ داد فرصت لازم را برای ساختاربندی نظم جدیدی در اختیار ایالات متحده قرار داد تا با ساختن «دیگری» هویتی جدید برای خود بسازد.

به‌واقع همان‌گونه که ایدئولوژی آمریکایی در دوران جنگ سرد در مقابله با کمونیسم سازمان‌دهی شده بود، در دوران پس از فروپاشی اتحاد شوروی چنین روندی در مبارزه با گروه‌ها و نیروهای اسلام‌گرا شکل گرفته است، این نگرش را می‌توان در ادبیات سیاسی مقامات آمریکایی و هم‌چنین استراتژی امنیت ملی آن کشور مورد توجه قرار داد.^{۶۴} حتی برخی از این هم‌فراتر رفته و اساساً حادثه‌ی یازده سپتامبر را کودتایی می‌دانند که توسط

۶۲. رک. متقی، ابرهیم، «آمریکا، هژمونی شکننده و راهبرد جمهوری اسلامی ایران»، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، معاونت پژوهش، شماره‌ی چهارم، سال ۱۳۸۵.

۶۳. همان، صص. ۹۰-۹۱.

۶۴. همان، ص. ۱۲۸.

گروهی متشکل از برژینسکی، هانتینگتون، ریچارد پل، لیبرمن، بنیاد اسمیت، ریچاردسون و انستیتوی اولین، طراحی و از سوی شرکت‌ها و موسسات بزرگ مالی آمریکا حمایت شد و هدف این عده راه‌اندازی جنگی مذهبی و تحقق بخشیدن به نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها برای اهداف و منافع اقتصادی و نظامی گروهی خاص بود.^{۶۵}

در مجموع این عوامل باعث می‌گردد که مبارزه با تروریسم به دروغی بزرگ و با خوشبینی افسانه‌ای غیرقابل تحقق تبدیل گردد.

۶۵. رک. محمدی، پیشین، ص. ۱۸.

منابع

الف: فارسی

۱. آ، گانر، برایان، فرهنگ حقوقی بلک، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲. آدام، الکساندر، مبارزه با تروریسم؛ مطالعه تطبیقی اتحادیه اروپا - ایالات متحده آمریکا، ترجمه‌ی ابوالحسن شکری، نشر سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۳. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات سهروردی، ۱۳۶۴.
۴. اردبیلی، محمد علی، «مفهوم تروریسم، تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل» (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارایه شده در همایش)، تهران، روزنامه رسمی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱.
۵. آلبرشت، هانس یورگ، «تروریسم؛ خطر و قانونگذاری»، مترجمان: مهدی مقیمی و مجید قورچی بیگی، فصلنامه‌ی تخصصی فقه و حقوق، سال سوم، شماره‌ی یازدهم، زمستان ۱۳۸۵.
۶. بصیری، عباس، «روند جهانی شدن حقوق بشر و تاثیر آن بر حاکمیت دولت‌ها»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۳۸۱.
۷. بیک محمدی، مهسا، «بررسی تحلیلی کنوانسیون منع شکنجه و رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، فروردین ۱۳۸۲.
۸. توماس، فیلیپ، ای، «واکنش‌های قانونی به تروریسم؛ نگرشی انتقادی»، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی (گزارش پژوهشی)، ۱۳۸۲.
۹. جلالی، محمود، «تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تاکید بر حادثه ۱۱ سپتامبر»، نامه مفید، سال یازدهم، شماره‌ی ۵۲، اسفندماه ۱۳۸۴.

۱۰. چامسکی، نوام، تروریست‌های جهانی چه کسانی هستند؟، ترجمه‌ی مجتبی طاهری (گزارش پژوهشی)، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، مهرماه ۱۳۸۳.
۱۱. خانبانی، پریسا، «ضوابط حقوق بشری مبارزه با تروریسم بین‌المللی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، پاییز ۱۳۸۳.
۱۲. رز، دیوید، گوانتانامو جنگ آمریکا علیه حقوق بشر، ترجمه‌ی نجله خندق، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۳. دیلیپاک، عبدالرحمن، تروریسم، ترجمه‌ی واحد تدوین و ترجمه‌ی معاونت فرهنگی، نشر مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۸.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر دکتر معین، تهران، انتشارات چاپخانه‌ی دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
۱۵. صبور، پور، مهدی، «نقض حقوق بشر به بهانه مبارزه با تروریسم در آمریکا»، نشریه ماوی، بخش نخست.
۱۶. صبور، پور، مهدی، «نقض حقوق بشر به بهانه مبارزه با تروریسم بین‌المللی»، در: مهدی ذاکری، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات، تیرماه ۱۳۸۶.
۱۷. عالی‌پور، حسن، «تروریسم هسته‌ای»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره‌ی سوم، پاییز ۱۳۸۵.
۱۸. عبدالحی، علی، کیهانلو، فاطمه، سرکوب تروریسم، معاونت پژوهش و تدوین قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۹. فلاح‌زاده، علی محمد، «بررسی تطبیقی منع شکنجه و هتک حرمت و حیثیت در کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و موهن

- و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴.
۲۰. کدخدایی، عباسعلی، «حوادث ۱۱ سپتامبر و رویکرد نوین آمریکا به نظریه جنگ عادلانه»، مجله نامه مفید، شماره‌ی ۳۳.
۲۱. لیکتر، اندرو، مبارزه با تروریسم؛ تلاشی بیهوده، ترجمه‌ی محمد صفار، نشر پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی (گزارش راهبردی)، بهمن ۱۳۸۲.
۲۲. لوین، لیا، پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر، ترجمه‌ی محمد جعفرپوینده، نشر قطره، سال ۱۳۷۷.
۲۳. محمدی، منوچهر، استراتژی نظامی آمریکا بعد از یازده سپتامبر؛ آمریکا رویاروی جهان اسلام، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۴. متقی، ابرهیم، «آمریکا، هژمونی شکننده و راهبرد جمهوری اسلامی ایران»، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، معاونت پژوهش، شماره‌ی چهارم، سال ۱۳۸۵.
۲۵. منافی فسقندیس، آرام، «ممنوعیت بازداشت خودسرانه»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۳.
۲۶. هاشمی، محمد و دیگران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، فروردین ۱۳۸۳.
۲۷. هافمن، پل، «تروریسم و حقوق بشر»، ترجمه‌ی علیرضا ابراهیم‌گل، مجله حقوقی، شماره‌ی ۳۴.
۲۸. هیگنیز، روزالین، «حقوق بین‌الملل علیه تروریسم»، ترجمه‌ی زهرا کسمتی، در: تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، گردآوری و ویرایش علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

ب: لاتین

1. Jack N. Kondrasuk, "The Effects of 9/11 and Terrorism on Human Rights Resource Management: Recovery, Reconciliation and Renewal", Employee Responsibilities and Rights Journal, Vol 16, No. 1, March 2004.
2. Kaplan, J. , Islamophobia in America?: September 11 and Islamophobic Hate Crime, Terrorism and Violence, 2006.
3. Makau, Mutua, "Savages, Victims and Saviors: The Metaphor of Human Rights", International Law Journal, No 42, 2001.
4. McCauley, Clark, "War Versus Justice in Response to Terrorist Attacks", in: Psychology of Terrorism, Bonger, Bruce *et al.* (eds), Oxford University Press, 2007.

ج: نشانی‌های اینترنتی

1. <http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/shows/knew/etc/script.html>,
2. <http://www.whitehouse.gov/news/releases/2005/02/20050223-8.htm>.
3. <http://www.hrw.org/wr2k4/8.htm>.
4. <http://www.whitehouse.gov/news/release/2003/05/20030516-15.html>.
5. <http://www.whitehouse.gov/news/releases/2008/03/20080319-2.html>.
6. http://www.globalguerillas.typepad.com/globalguerillas/2004/05/journal_an_esti.html.
7. <http://www.fa.wikipedia.org/wiki>